



حقوق و تکالیف در اسلام

جهاندار امینی دانشجوی کارشناسی ارشد فقه مقارن و حقوق جزا دانشگاه مذاهب اسلامی

چکیده

این مقاله با بیان اصولی از شریعت اسلامی به تبیین جایگاه حقوق و تکالیف می‌پردازد



که ابتدا حقوق به افراد تعلق می‌گیرد و بعد از آن، تکالیف آنان آغاز می‌گردد و اجرای قوانین اسلامی تنها در جامعه‌ای اسلامی امکان‌پذیر است که مقدمات اجرای آن قوانین فراهم شده باشد.

مقدمه

دین اسلام همزمان با تلاش برای بسترسازی یک زندگی اجتماعی براساس امنیت و آرامش، در تمام مراحل شکل‌گیری یک نظام اسلامی، اصل تزکیه نفس افراد و مواردی از قبیل: امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه‌ای در راستای رسیدن این بینش و تفکر دینی می‌داند و می‌توان گفت: اسلام و نظام بزرگ حقوق و تکالیف آن، تمام تلاش خود را برای حفظ ضروریات پنج‌گانه: (دین، نفس، عقل، مال، نسل) انجام می‌دهد و یا به عبارتی حکمت و حتی هدف خلقت را، فقط این ضروریات و حفظ آنها می‌داند. (۱)

چنین نظامی، مصلحت را حفظ ضرورت و مفسده را به خطر افتادن آن می‌داند؛ پس وضع حقوق و تکالیفش در راستای این هدف می‌باشد و جزا و عقابش بر این اساس بنا نهاده شده است. بنابراین، این نوشتار در پی آن است تا جوابگوی سؤالاتی باشد که در راستای حقوق و تکالیف مطرح است. هدف از شریعت آسمانی در تشریح

قوانین چیست؟
آیا اصل شخصی بودن مجازاتها در اسلام وجود دارد؟
جایگاه حقوق و تکالیف و تقدم و تأخر آنها در اسلام چیست؟
قاعده قبح عقاب بلا بیان چیست؟
آیا هدف از مجازاتها اجرای آنهاست؟

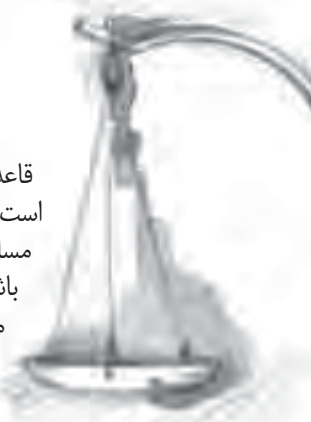
هدف شریعت آسمانی

نظام اسلام مشتمل بر مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف است تا سعادت و امنیت و آرامش دنیا و آخرت را تأمین کند و با بیان حلال و حرام و وضع مجازاتها برای مرتکبین فحشا و منکرات و مفسدین در زمین، قیام به امر معروف و نهی از منکر، تبیین انواع معاملات با شرایط و ارکان آن، تأکید بر اجرای عدل و قسط و مساوات و برابری و دوری از هرگونه تبعیض و تعصب، برای برپایی یک نظام سیاسی عادل با تأیید و مشارکت عمومی و یک نظام اقتصادی سالم به دور از هرگونه فقر و تنگدستی و تبعیض و فواصل طبقاتی و یک نظام اجتماعی مشتمل بر رفاه و آسایش عمومی و وضع قوانین اجتماعی برای یک زندگی سالم و مسالمت‌آمیز تلاش می‌کند. تا از این طریق، نه تنها جامعه؛ بلکه شریعت را به سوی سعادت و خوشبختی هدایت کند.

قاعده قبح عقاب بلا بیان

در شریعت اسلام، فرد زمانی مورد عتاب و عقاب قرار می‌گیرد که ابتدا تبیین و تشریحی صورت گرفته باشد. «رُسُلًا مَبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِّلْأَلِيكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ؛ ما پیامبران را فرستادیم تا مژده‌رسان و بیم‌دهنده باشند و بعد از آمدن پیامبران حجت و دلیلی بر خدا برای مردم باقی نماند.» (۲)

در شریعت اسلام، فرد زمانی مورد عتاب و عقاب قرار می‌گیرد که ابتدا تبیین و تشریحی صورت گرفته باشد. قاعده قبح عقاب بلا بیان در تأیید این مسئله است: مجازاتی صورت نخواهد گرفت مگر اینکه مسائل و احکام مربوط به آن به افراد رسیده باشد



قاعده قبح عقاب بلا بیان در تایید این مسئله است: مجازاتی صورت نخواهد گرفت مگر اینکه مسائل و احکام مربوط به آن به افراد رسیده باشد. «و کنا معذبین حتی نبعث رسولا؛ ما مجازات نخواهیم کرد مگر اینکه پیغمبری روان سازیم.» (۲) و این سنت الهی برای تمام عصرها بوده است.

هر کس مسئول اعمال خویش است

خطاب الهی تمامی افراد جامعه را شامل می‌گردد و هر کس موظف بر انجام تکالیف خود می‌باشد و این امر، مسئولیت فردی است و به ارث برده نمی‌شود. «و کل انسان الزمناه طائره فی عنقه؛ ما اعمال هر کسی را به گردنش آویخته‌ایم.» (۴) و یا آیات دیگری از قبیل: «و لا تزر وازره وزر اخری» (۵)؛ «و من يعمل سوءا یجزیه» (۶) و یا حدیث: «الا لا یحبنى جان الا على نفسه.» (۷)

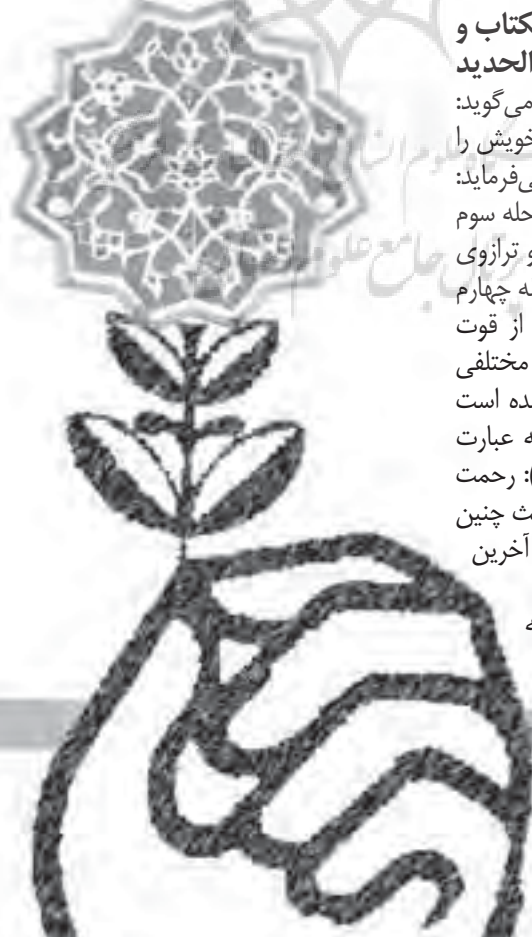
اجرای مجازات، آخرین مرحله است

نظام اسلامی ابتدا با تربیت و تزکیه افراد شروع می‌شود تا زمینه نزول احکام و تعلیم و تبیین برنامه‌هایش فراهم گردد و آن گاه متناسب با بسترهای مکانی و زمانی، قوانین خود را وضع می‌کند. محمد بن جریر طبری در تفسیر آیه ۲۵ سوره حدید که می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحدید فیه بأس شدید و منافع للناس»، می‌گوید: خداوند در ابتدای آیه می‌فرماید: ما پیامبران خویش را با براهین روشن و ادله متقن فرستادیم، بعد می‌فرماید: به آنها کتاب و احکام و شرایع دادیم و در مرحله سوم اشاره دارد که به آنها امر کردیم تا به میزان و ترازوی عدالت و براساس کتاب حکم کنند و در مرحله چهارم می‌فرماید: «و انزلنا الحدید» که نشان از قوت و شدت عمل است که از این همه، منافع مختلفی می‌توان کسب کرد. (۸) در حدیث قدسی آمده است: «ان رحمته تغلب غضبی» (۹) و یا به عبارت دیگر: «ان رحمته سبقت غضبی» (۱۰): رحمت من بر غضب و قهرم سبقت دارد. از این حدیث چنین استنباط می‌گردد که تهدید و عقوبات الهی آخرین مرحله است یعنی «آخر الداء الکیء.» شریعت الهی تمام راهها و فرصتهایی که

احتمال برگشت مجرم را به جامعه فراهم می‌سازد، رعایت نموده است؛ مثلاً تشویق به عفو و بخشش «و ان تعفوا اقرب للتقوی و لا تنسوا الفضل بینکم؛ اگر شما بخشش کنید به پرهیزکاری نزدیکتر است و گذشت و نیکوکاری را میان خویش فراموش نکنید.» (۱۱)

توبه نیز از دیگر موارد اسقاط مجازات است: «فتاب علیکم وعفا عنکم» و یا می‌فرماید: «و اذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان» (۱۲) بر این اساس، این آیات و احادیث بیانگر حکمت تشریح مجازات است که هدف، عقاب و اجرای مجازات نیست؛ بلکه تلاش در راستای اصلاح متخلفان و ایجاد امنیت در جامعه است. به نظر فقهای حنبلی و در رأس آنها امام احمد حنبل، توبه سقط تمامی حدود و عقوبات می‌باشد. (۱۳) چنان که پیامبر نیز می‌فرماید: «التائب من الذنب کمن لا ذنب لی» (۱۴). توبه کننده از گناه مثل کسی است که گناه مرتکب نشده باشد و یا حدیث «التوبه تمحو ما قبلها» (۱۵) توبه ماقبل خود را محو می‌کند.

نظام اسلامی ابتدا با تربیت و تزکیه افراد شروع می‌شود تا زمینه نزول احکام و تعلیم و تبیین برنامه‌هایش فراهم گردد و آن گاه متناسب با بسترهای مکانی و زمانی، قوانین خود را وضع می‌کند





وجود شبهه، مجازات را لغو می‌کند

در اسلام حکم مجازات و نوع برخورد با عاملان جنایت متناسب با فراهم آوردن اوضاع و شرایط است؛ مثلاً در سالی که قحطی جزیره العرب را در بر می‌گیرد و به سال «عام المجاعه» مشهور است، خلیفه دوم به تمام حکام دستور می‌دهد که امسال دست دزد، قطع نخواهد گردید و وقتی که با اعتراضات شدیدی مبنی بر اینکه در مقابل نص، اجتهاد نموده است، مواجه می‌شود چنین می‌گوید: ما امسال نتوانسته‌ایم فقر را ریشه‌کن کنیم؛ پس نمی‌توانیم دست دزد را قطع کنیم. (۱۶) و یا با وجود هر شبهه‌ای از اجرای حدود، خودداری می‌کند. «**ادراوا الحدود بالشبهات**» تعالیم این نظام الهی به گونه‌ای است که تصویری در افراد ایجاد می‌کند که تربیت اجتماعی و پذیرش محدودیتها را ممکن سازد و در جریان اجتماعی شدن و پیدایش شخصیت، احساسی در فرد به وجود می‌آید که بعضی از روانشناسان آن را احساس عدالت نامیده‌اند؛ یعنی اینکه محدودیتها همگانی است و تخلف از محدودیتها از طرف هر شخصی صورت گیرد، با مجازات و شماتت اجتماعی رو به رو خواهد شد. حفظ نظم و امنیت اجتماعی به پیدایش و رشد این احساس عدالت بستگی دارد و وقتی جرمی صورت می‌گیرد، احساس عدالت افراد جریحه‌دار می‌شود و جامعه سخت برانگیخته می‌شود و تقاضای مجازات مجرمان را می‌کنند. (۱۷) احساس عدالت در یک نظام اسلامی به اندازه‌ای قوی است که افراد مرتکب جرایم نیز با مراجعه و اعتراف به جرم، خواستار اقامه حدود به منظور تطمیع خویش و بازگشت به توازن اصلی جامعه خواهند بود.

در جوامعی که تعالیم اسلامی در آن نهادینه نگردیده است و حتی نتوانسته‌اند بخش کوچکی از قوانین مربوط به نظامهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این مکتب را فراهم کنند، بدون مقدمات و پیش‌فرضها، نمی‌توان به اجرای مجازات پرداخت، چه بسا اجرای مجازاتها به صورت شکلی و ظاهری، باعث ایجاد تنفر در مسلمانان شود و حتی شماتت دشمنان را نیز به همراه داشته باشد

نتوانسته‌اند بخش کوچکی از قوانین مربوط به نظامهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این مکتب را فراهم کنند، بدون مقدمات و پیش‌فرضها، نمی‌توان به اجرای مجازات پرداخت، چه بسا اجرای مجازاتها به صورت شکلی و ظاهری، باعث ایجاد تنفر در مسلمانان شود و حتی شماتت دشمنان را نیز به همراه داشته باشد.

نتیجه:

۱. اسلام برای اجرای عدالت و ایجاد امنیت اجتماعی به اجرای حدود و مجازات می‌پردازد و به مجرم امکان لازم را برای جبران و اصلاح و برگشت به جامعه فراهم می‌آورد.
۲. اسلام ابتدا به اعطای حقوق و تبیین تکالیف و وظایف و سپس به اجرای مجازات و عقوبات می‌پردازد.
۳. هیچ جرمه و مجازاتی قبل از تشریح قوانین و جهل به آن صورت نمی‌گیرد.
۴. هرگونه شبهه مانع اجرای حدود و مجازات می‌شود.
۵. قوانین اسلامی در جامعه‌ای اسلامی اجرا می‌شود.

پی‌نوشتها:

۱. مصلحت و شریعت، رمضان بوطی ص ۱۰۴ - الجرمه والعقوبه فی الفقه الاسلامی، محمد ابوزهره، ص ۱۹.

قوانین اسلامی در یک نظام اسلامی، قابل اجرا است

نظام اسلام، مجموعه‌ای است که اعضای آن به هم مرتبط‌اند. بر این اساس شایسته نیست که بخشی از آن عملی گردد و سایر بخشهای آن نادیده انگاشته گردد و علاوه بر این، نمی‌توان به تعیین تکالیف پرداخت در صورتی که حقوق افراد در این مجموعه جایگاهی نداشته باشد؛ چراکه این امر به تجزیه احکام منجر خواهد شد.

«افتونون ببعض الكتاب و تکفرون ببعض»

... آیا به بخشی از کتاب ایمان می‌آورید و به بخشی کفر می‌ورزید؟» (۱۸) بر این اساس، در جوامعی که تعالیم اسلامی در آن نهادینه نگردیده است و حتی





در اسلام هیچ
جریمه و مجازاتی
قبل از تشریح
قوانین و جهل به آن
صورت نمی‌گیرد و
هرگونه شبهه مانع
اجرای حدود و
مجازات می‌شود

۱۸. حقوق جزای عمومی، پرویز صناعی با تلخیص، ص ۶۶۹ - ۶۶۷
۱۹. بقره، ۸۵.
۲۰. نساء، ۱۶۵.
۲۱. اسراء، ۱۵.
۲۲. اسراء، ۱۳.
۲۳. انعام، ۱۶۴.
۲۴. نساء، ۱۲۳.
۲۵. ترمذی، ج ۳، ص ۸۷-۸۸، ابن ماجه، البالی أن را صحیح دانسته ر.ک: موسوعه الفقه الاسلامی، ص ۳۵۸.
۲۶. تفسیر طبری، ج ۱۱، صص ۶۸۸ و ۶۸۹.
۲۷. صحیح بخاری، کتاب التوحید- صحیح مسلم، کتاب التوحید- ر.ک: الاحادیث القدسیه، صص ۱۶۶ و ۱۶۷.
۲۸. بقره، ۲۳۷.
۲۹. بقره، ۱۸۶.
۳۰. الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۷، ص ۵۴۰۶.
۳۱. روایت ابن ماجه و طبرانی در کتاب «الکبیر»، بیهقی نیز از ابن مسعود روایت نموده است. ر.ک: الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۷، ص ۵۳۰۶.
۳۲. مغنی المحتاج، خطیب، ج ۴، ص ۱۸۴ - المغنی، ابن قدامه، ج ۹، ص ۲۰۱ - مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۳۱ - ر.ک: الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۷، ص ۵۳۰۶.
۳۳. مصلحت و شریعت، ص ۱۲۵.
۳۴. حدیث به روایت ابن عدی از ابن عباس - سنن ترمذی، ص ۱۴۲۴ در کتاب «حدود» به ما جاء فی درء الحدود.
۱. ابوزهره، محمد، الجریمه والعقوبه فی الفقه الاسلامی، بیروت، دارالفکر.
۲. الخن، مصطفی، البغا، مصطفی، الشریجی، علی، الفقه المنهجی، تهران، احسان ۱۳۷۹.
۳. بوطی، محمدسعید، مصلحت و شریعت، اصغر افتخاری، تهران، گام نو، ۱۳۸۴.
۴. خرم‌دل، مصطفی، تفسیر نور، تهران، احسان، ۱۳۷۹.
۵. زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، بیروت، دارالفکر، ۱۹۷۷م.
۶. صناعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۳.
۷. طبری، محمد بن جریر، تفسیر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲م.
۸. عویس، عبدالحکیم، موسوعه الفقه الاسلامی المعاصر، بیروت، دارالوفاء، بی تا.
۹. الاحادیث القدسیه، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۲.